

## ضابطان در آینه‌ی الزامات حقوق بشری و تربیتی اسلام؛ اروپا و ایران (با تکیه بر رعایت حقوق متهمین تحت نظر)

محمد علی عزتی<sup>۱</sup>، علی رضا سایبانی<sup>۲</sup>، محمد مهدی ساقیان<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت: ۹۷/۱۲/۱۰ تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۱/۲۵

### چکیده

**زمینه و هدف:** یکی از مهم‌ترین نکات تربیتی برای نظام عدالت کیفری، توجه ضابطان به اصول مترقیانه حقوق بشری در انجام رسالت‌های خود می‌باشد اسلام حاوی تعالیم حقوق بشری و تربیتی است و فقه پویا به منزله شاخص این دین، می‌تواند تضمین‌کننده حقوق انسان‌ها باشد. اصول حقوق بشری به عنوان دستورات لازم الرعایه برای ضابطان در حقوق اروپا و ایران جانمایی شده است که در این نوشتار به آن پرداخته شده است. شناخت، توسعه و توجه به حقوق اشخاص متهم (تحت نظر) به عنوان اصول حقوق بشری، هدف از تحریر این مقاله می‌باشد.

**روش:** با توجه به این که مطالعه اصول حقوق بشری، جزء مطالعات نظری می‌باشد؛ روش این تحقیق، تحلیلی-توصیفی است که با ابزار کتابخانه‌ای به واکاوی اصول مذکور از سه منظر اسلام، اروپا (با تکیه بر مقررات فرانسه) و ایران پرداخته است.

**یافته‌ها و نتایج:** پژوهش نشان داد که نظام تربیتی اسلام در رعایت حقوق بشر توسط ضابطان و انعکاس آن در منابع و مبانی فقهی؛ دارای صراحت و وضوح لازم به ویژه در مرحله کشف جرم می‌باشد که اصول ذکر شده بهترین شاهد مثال این ادعاست ولی مقررات اسلام در خصوص حق ملاقات با پزشک و حق تماس با خانواده دارای احکام صریحی نیست. در حقوق اروپایی (به ویژه در قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه) نیز این اصول با ظرافت لازم در مقررات دادرسی کیفری مقرر شده است؛ اما در برخی موارد، شاهد وجوه افتراق بین اصول حقوق بشری در حقوق اسلامی و اروپایی می‌باشیم. با توجه به این که اکثر قوانین دادرسی ایران از اصول حقوق بشری اسلام نشأت گرفته است؛ از این حیث تفاوت قابل‌ذکری بین اصول ذکر شده در مقررات اسلام و ایران وجود ندارد؛ ضمن این که عدم مغایرت مقررات دادرسی کیفری ایران با شرع و قانون اساسی توسط شورای نگهبان، به قوانین موضوعه ایران، سمه اسلامی بخشیده است.

### کلیدواژه‌ها

نظام تربیتی، حقوق بشر، ضابطان، پلیس، کشف جرم

۱. گروه حقوق، واحد قشم، دانشگاه آزاد اسلامی، قشم، ایران Maezzati63@gmail.com

۲. استادیار گروه حقوق دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بندرعباس، بندرعباس، ایران. (نویسنده مسئول)  
saybani.a@gmail.com

۳. استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران. msaghian@ut.ac.ir

## مقدمه

یکی از مهم‌ترین مطالبات بشری، حفظ نظم توسط قوای حاکمه و اجرای عدالت یکسان و فراگیر در جوامع انسانی است. رعایت حقوق بشر در قالب اصول متعددی مورد تاکید شهروندان و اتباع کشورهاست. رعایت این حقوق می‌تواند ضمن تغییر نگرش مردم به حاکمان خود، اعتماد اجتماعی را که سرمایه جمعی محسوب می‌شود در کنار کارکردهای رعایت حقوق ذکر شده؛ مانند سلامت دادرسی کیفری ایجاد نماید.

اصول حقوق بشری در دو بخش قابل ذکر است. **نخست** جلوه‌های اصول حقوق بشری ناظر بر متهم (تحت نظر) و **دوم** جلوه‌های ناظر بر حقوق بزه دیده. که در این مقاله صرفاً اصول ناظر بر رعایت حقوق متهم (تحت نظر) مورد واکاوی قرار می‌گیرند.

اهم این اصول که ناظر بر متهم است، عبارتند از: حق سکوت متهم، امکان حضور و کیل در مرحله تحت نظر، توجه به کرامت، حیثیت و شان اشخاص، احترام به آزادی انسان‌ها و ممنوعیت توقیف و بازداشت خودسرانه، رعایت حریم خصوصی، ممنوعیت شکنجه، توجه به حقوق اشخاص آسیب پذیر، مشروعیت تحصیل ادله و آگاهی دادن به تحت نظر و متهم از ادله ابرازی. *پژوهش‌های علمی و مطالعات فزنی*  
در زمینه جلوه‌های بزه دیده محور، می‌توان اصول حقوق بشری که ضابطان در مرحله کشف جرم، ملزم به رعایت آن هستند را این گونه بیان نمود: تسهیل شرکت بزه دیده در مرحله پلیسی، اصل رعایت کرامت بزه دیده، تامین امنیت بزه دیده، اطلاع رسانی به قربانی، حق دسترسی به پرونده و داشتن وکیل، توجه به نگرانی‌ها و نظرات بزه دیده، هم‌دردی با او و حفظ آبرو و حیثیت، کمک رسانی مناسب به قربانی جرم.

از میان اصول معنون، می توان گفت که حقوق زیر واجد اهمیت بیش تری می باشد که با عنوان حقوق اشخاص متهم ( تحت نظر) از آن یاد می شود. این حقوق عبارتند از:

" پیش بینی اصل مشروعیت استجواب کیفری، امکان حضور و کیل از ابتدای دادرسی، توجه به اصل برائت در کشف جرم، حق برخورداری از ضابطان آموزش دیده و نظارت بر ضابطان، حق تماس تلفنی با خانواده، حق ملاقات با پزشک، رعایت حیثیت و کرامت و شرافت اشخاص".

تا کنون تحقیقات تک بعدی در خصوص حقوق بشر در اسلام و اروپا صورت گرفته است؛ لیکن این تحقیق، با ابتناء بر نظام تربیتی اسلام در قرائت از حقوق بشر و نگاهی به مقررات اروپا ( با ابتناء بر قوانین فرانسه) و مقایسه آن با حقوق ایران به صورت مزجی به رشته تحریر درآمده است که در این خصوص تحقیق مشابهی با این دایره شمول صورت نگرفته است.

### مبانی نظری

**کشف جرم:** اطلاع و آگاهی از وقوع جرم را کشف جرم می گویند، این امر می تواند ناشی از شکایت شاکی، گزارش ضابطان دادگستری یا سایر افراد مطلع باشد. (فهودی نیا و موسی زاده، ۱۳۹۵، ص ۴۷۱). در علوم جنایی نوین، روش های سنتی و پر هزینه و بدون کاربرد از بین رفته است چرا که ضمن داشتن هزینه های مادی و غیر مادی، به عدالت کیفری نمی انجامد. پلیس علمی با بخش های مختلف، کشف علمی جرایم ... ادبیات قرن حاضر است. لذا از این دیدگاه می توان گفت، کشف جرم، علم است نه تخصص و هنر.

کشف جرم، علم است که باید آن را آموخت و در عمل به کار بست. چنان نیست که آن را به ذوق و سلیقه پلیس یا بازجو رها کرد تا از راه آزمایش و خطا به رموز آن پی برند. جرم ارکان جامعه را به لرزه می آورد. چون کشف نشود، کسی از زندگی در

چنین جامعه ای احساس امنیت نمی کند. هر جرمی که کشف نشود، در محیط پیرامون خود به نسبت سنگینی جرم، هم چون جسمی که در آب افتد، دایره ها پیرامون آن پدید می آید که امواج آن، خاطره های تلخ در اذهان برجای می گذارد که تلخی آن حتی پس از سال ها همچنان پایدار ماند. (بوشهری، ۱۳۹۱، ص ۲۱)

مرحله کشف جرم دارای اهمیت فراوانی است. چرا که کشف جرم و اقدامات پلیسی مبنای بسیاری از احکام کیفری را پایه گذاری می کند. از این رو هرگونه نقض مقررات می تواند سلامت و عادلانه بودن دادرسی کیفری را به خطر اندازد. (مدرسی، ۱۳۸۶، ص ۶۵)

پرونده کیفری متشکله با شروع پلیسی، منشاء بسیاری از تصمیمات قضایی است. البته تعیین تکالیف پلیس و دیگر ضابطان تعیین الگوهای رفتاری آنان از قائل شدن مرجعیت کشف جرم برای آن ها ضروری تر می نماید.

تا کنون تفکیک صحیحی در مراحل دادرسی کیفری صورت نگرفته چرا که مرحله کشف جرم و تحقیقات مقدماتی، توأمان ذکر می شود، حال این که مرحله اول از تکالیف ضابطین نبوده و مرحله دوم از تکالیف بازپرس است ولی با هم ذکر می شود و گاهی برای پررنگ کردن نقش پلیس در جریان رسیدگی، آن را مرجع یافتن حقیقت معرفی می کنند. (رضوی و خزائی، ۱۳۸۷، ص ۸۵)

**متهم تحت نظر:** متهم تحت نظر که هنوز هیچ گونه اتهامی علیه او ثابت نشده است، شخصی است که از کرامت انسانی و اجتماعی برخوردار بوده و به هیچ بهانه ای حتی پر اهمیت بودن اتهام وی نباید حقوق طبیعی وی نادیده گرفته شود و حفظ حرمت و کرامت متهم به عنوان عضوی از شهروندان جامعه وظیفه همگان به ویژه پلیس و دیگر ضابطان دادگستری است. (وروایی و بهرامی پور و پراکوهی، ۱۳۹۳، ص ۲۵)

برخورداری متهم از حقوق ناظر بر رعایت تشریفات قانونی در محاکم فدرال و ایالتی (آمریکا)، از اصلاحیه های پنجم و چهاردهم قانون اساسی آمریکا و هم چنین سابقه ی تاریخی طولانی حقوق عرفی انگلستان سرچشمه می گیرد. متهم به ویژه از حقوق تشریفات قانونی زیر در جریان پژوهش های کیفری و کار دادگاه برخوردار است. اصلاحیه چهارم، حمایت در برابر تفتیش و توقیف غیر موجه؛ اصلاحیه ششم، حق محاکمه سریع توسط قاضی و یا هیئت منصفه بی طرف. (قناد، ۱۳۹۳، ص ۳۸۴)

**حقوق دفاعی متهم:** منظور از حفظ حقوق دفاعی متهم آن است که متهم بتواند با ارائه ادله قوی تر، اماره مجرمیت را که علیه او قابل استناد است را بی اثر کند و برائت خود را ثابت نماید. نتیجه آرای دیوان اروپایی این است که امارات مجرمیت را نباید به دیده امارات مطلق ملاحظه کرد و متهم باید امکان داشته باشد تا با ارائه ادله لازم بر برائت خود صحه بگذارد و در واقع هم آن گونه که از آرای دیوان عالی کشور فرانسه استنباط می گردد، کنوانسیون اروپایی حقوق بشر مطلقاً در پی محدود و محصور کردن ادله اثبات دعوی کیفری در حقوق داخلی نیست بلکه فقط به دنبال آن است که مجرمیت متهمان به نحو قانونی اثبات گردد. (تدین، ۱۳۸۸، ص ۶۳)

حقوق دفاعی متهم در قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه به معنای برخورداری از یک محاکمه عادلانه است که این حقوق به اشکال مختلفی پیش بینی شده است. از جمله این حقوق، حق دسترسی به اطلاعات پرونده به ویژه در تحقیقات فاز پلیسی، حق داشتن زمان کافی برای دفاع، ممنوعیت شکنجه جسمی و روحی، حق برخورداری از وکیل، جبران خسارت برای محکومیت غیرقانونی و ... می باشد. می توان گفت که حقوق متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ به مراتب بهتر از قانون قبلی مشخص شده و حمایت های بسیاری در قالب حقوق دفاعی متهم پیش بینی شده است. هرچند این اصلاحات به نحو

مطلوبی نتوانسته این حقوق را تضمین کند و در عمل کمتر شاهد رعایت حقوق متهم هستیم؛ تجربه عملی نشان می‌دهد مقام‌های قضایی در مورد اکثر مجوزهای محدود کننده حقوق دفاعی متهم معمولاً با نهادهای مسئول انجام تحقیقات جنایی همراهی می‌کنند و دغدغه‌های کشف جرم و شناسایی و دستگیری متهمان را بر رعایت حقوق و آزادی‌های آنان ترجیح می‌دهند و کمتر متهمی را می‌توان یافت که برخورداری او از این حقوق، متضمن هیچ‌گونه نگرانی و اختلال در فرآیند تحقیقات جنایی نباشد. (قاسمی، ۱۳۹۶، ص ۶-۵)

به طور کلی به نظر نگارندگان، مطلوب این است که حقوق دفاعی متهم (تحت نظر) به دو قسمت تقسیم شود:

الف- حقوق دفاعی متهم (تحت نظر) در معنای عام.

ب- حقوق دفاعی تحت نظر در معنای خاص.

نوع اول شامل مواردی مانند: حق تفهیم اتهام متهم، حق اطلاع متهم از حقوق دفاعی، حق تماس با خانواده، منع شکنجه، اعتراض به تحت نظر، حق معاینه پزشکی، حق حضور مترجم، حق بازجویی فنی، حق دسترسی به امکانات حداقلی در زمان بازداشت. نوع دوم که فقط مختص، اشخاص تحت نظر در فاز پلیسی در فرانسه است، شامل دو حق خاص است:

۱- حق داشتن وکیل

۲- حق مواجهه با ضابطان قانون مدار و آموزش دیده

این دو نسخه مربوط به نظام فرانسه است که از حیث غنای حقوقی در وضعیت مطلوب تری نسبت به ایران در مورد موضوع این مقاله قرار دارد.

در همه کشورهای مرفعی و در حال توسعه حقوق شهروندی که دلالت بر کرامت ذاتی و ارزش والای انسانی دارد، به عنوان یکی از دغدغه‌های اساسی جامعه

محسوب شده و همواره نگرانی هایی را از جهت احتمال تعدی و تجاوز به آن به خصوص در حوزه نظام عدالت کیفری و نهادهای مختلف از جمله پلیس ایجاد می کند. رعایت این حقوق نه تنها در شرع مقدس اسلام بلکه در کلیه اسناد بین المللی و حقوق داخلی کشورها توصیه شده است. این موضوع از منظر و نگاه پلیس جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک پلیس مردمی و خدمتگزار، متفاوت از بسیاری کشورها بوده و حایز اهمیت فراوان است. (امینی فر و اخوان، ۱۳۹۲، ص ۹۷)

### روش تحقیق

این تحقیق از نظر هدف، کاربردی و از حیث نوع، توصیفی-تحلیلی می باشد. داده های این مقاله با استفاده از ابزار کتابخانه ای (مطالعه اسنادی)؛ مانند کتب، مقالات، پایان نامه ها و با خوانش قوانین موضوعه ایران و کشورهای اروپایی گردآوری شده است. با توجه به مقارنه ای بودن این تحقیق، الزامات حقوق بشری در مقررات اسلام، ایران و اروپا (با ابتناء بر فرانسه) با روش مزجی (غیر کشویی) به رشته تحریر درآمده است. برآمد تحقیق نیز از یافته های تحقیق صورت گرفته با ذکر منابع و با رعایت اخلاق و اصول پژوهش حاصل گردیده است.

### یافته ها:

اصول حقوق بشری لازم الرعایه توسط ضابطان تحت عنوان رعایت حقوق اشخاص متهم (تحت نظر) در قالب حقوق زیر منعکس شده است:

#### الف- پیش بینی اصل مشروعیت استجواب کیفری

حق سکوت نمودن در مراحل دادرسی از عمده حقوقی است که ضابطان و دیگر مقامات دخیل باید رعایت کنند. این حق به متهمین کمک می کند تا با حضور وکیل لب به سخن گشایند و یا عنداللزوم سخن بگویند. دو قاعده مهم فقهی در باب سکوت وجود دارد: ۱- السکوت فی مقام البیان، بیان (الکلباسی، ۱۴۴۲، ص ۳۲) ۲- لا ینسب لساکت قول (الحکیم، ۱۴۱۸، ص ۳۷) که قاعده اول در حقوق جزا، فاقد قابلیت است و

مجرای آن به نظر نگارندگان، حقوق خصوصی است. طبق قاعده دوم در صورتی که متهم سخن نگوید نمی توان امری را به او منتسب نمود چرا که او در مقام بیان و دفاع است و سکوت متهم، تعبیر به بیان نمی شود.

حق سکوت متهم، یکی از نتایج قطعی التزام به اصل برائت است. اصل مصونیت در برابر خود اتهامی نیز، دیگر مبنای آن عنوان گردیده است. حق سکوت متهم بدین معناست که به موجب قانون، متهم این حق و اختیار را داشته باشد که در مقابل ادعا و شکایت اقامه شده علیه او، به تمامه کام فرو بندد تا مدعیان معرکه (شاکی و دادستان)، زمام اثبات ادعایشان را به دست گیرند. به برقرار بودن این حق برای متهم، در برخی اسناد بین المللی نظیر میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و کنوانسیون حقوق کودک تصریح شده است. متن اساسنامه و سایر مقررات دادگاه های بین المللی (شامل دادگاه بین المللی کیفری "ICC"، دیوان بین المللی کیفری برای یوگوسلاوی سابق ICTY و دیوان بین المللی کیفری رواندا (ICTR)، میعادگاه تجلی حداکثری حقوق دفاعی متهمان می باشد به نحوی که استانداردهایی به مراتب، بسیار فراتر از معیارها و موازین اسناد بین المللی ذکر شده، در بطن آن ها مقرر گردیده است. حق سکوت، در رویه قضایی و مجموعه مقررات این دادگاه ها، جایگاه شایسته ای دارد؛ بدین سان که، علاوه بر مورد تاکید قرار گرفتن موضوع استقرار این حق برای متهمین، دیگر ابعاد و زوایای این حق، از جمله عدم امکان استنباط خلاف از سکوت متهم نیز، تعیین و به تصریح بیان شده است. (قرقانی، ۱۳۹۳، ص ب)

از آنجایی که اصل برائت در تمام مراحل دادرسی حاکمیت دارد، در این خصوص نیز چون اصل برائت است، ارائه ادله اثبات جرم به عهده دادستان یا شاکی خصوصی است. سکوت متهم بر علیه وی قابل استناد نیست و قرینه مجرمیت محسوب نمی شود. برخورداری از این حق مستلزم آن است که نمی توان متهم را تحت فشار و اجبار قرار



داد. برخورداری از حق سکوت اختصاص به زمان تفهیم اتهام توسط مقام قضایی ندارد؛ بلکه در تمام مراحل دادرسی این حق جاری است. در مورد مرحله محاکمه بند (ث) ماده ۳۵۹ قانون آیین دادرسی کیفری به این امر تصریح کرده است و در هنگام بازجویی مقدماتی نزد ضابطان نیز ضرورت رعایت این حق علاوه بر ماده ۶۰، از ماده ۶۱ قانون مزبور نیز استنباط می شود. ماده ۱۹۷ قانون فوق هم به این امر تصریح دارد. (طهماسبی، ۱۳۹۶، ص ۹۰-۸۹)

طبق ماده ۶۰ قانون آیین دادرسی کیفری، در بازجویی ها اجبار متهم، استعمال سخنان وهن آمیز، بیان پرسش های تلقینی یا اغفال گرانه یا پرسش های بی ارتباط با اتهام ممنوع است و پاسخ هایی که از اجبار و اکراه متهم حاصل گردد، فاقد اعتبار می باشد. ماده ۱۹۷ نیز به متهم حق سکوت می دهد. این موضوع تابع اصل ۳۸ قانون اساسی و بند ۹ قانون احترام به آزادی های مشروع و حفظ حقوق شهروندی (۱۳۸۳) است که بر اساس آن شکنجه ممنوع می باشد. اثر آن فقدان حجیت است که می توان آن را نقض حقوق شهروندی دانست. امری که می تواند روند رسیدگی را دستخوش تغییر کرده و با تسهیل روند پلیسی، به ایذاء متهم و در نهایت به جور بیانجامد.

برخی با استفاده از اصل استجواب کیفری، متهم را در پاسخ گفتن یا نگفتن به سوالات آزاد می دانند و معتقدند در حقوق کیفری، الزام متهم به اتیان سوگند مبنی بر بازگویی حقیقت بنا بر اصل ۳۸ ممنوع است. در حقوق فرانسه نیز حتی قسم دادن متهم به گفتن حقیقت موجب بطلان تحقیقات است و چنین اقراری منشاء اثر نیست ولی در حقوق کامن لا، چون متهم همانند شاهد فرض می شود، از وی می خواهند قسم یاد کند، زیرا حقوقی جامع برای او قرار داده اند و از وی انتظار دارند که حقیقت را بیان دارد. (کریمی و رحیمی نژاد، ۱۳۸۸، ص ۳۶)

در کشورهای آنگلو ساکسن بلافاصله پس از دستگیری فرد، پلیس رسماً با این عبارات به او اخطار می‌دهد: " آیا مایلید در جواب اتهام خود چیزی بگویید؟ شما مجبور نیستید حرفی بزنید، مگر آن که خود مایل باشید؛ ولی هر حرفی بزنید نوشته می‌شود و ممکن است به عنوان دلیل مورد استفاده قرار گیرد." در واقع پلیس مکلف شده است، پس از دستگیری فرد و بیان علت بازداشت به وی، حق سکوتش را به او اعلام کند و اگر متهم مانع این امر شد، بلافاصله پس از رفع مانع این حق را به او اعلام دارد. و ادار ساختن افراد به اقرار از موجبات دادرسی ناعادلانه است. (oreilly,1994,p.421)

مرکز مطالعات حقوق بشر سازمان ملل، نتایج زیر را به دست داده است:

۱- پلیس باید قبل از بازجویی حق سکوت متهم را محترم شمارد؛ زیرا اصل آزادی فردی مقتضی بهره مندی از آن است.

۲- پلیس تکلیف ندارد سکوت متهم را به او تفهیم کند و اصولاً تفهیم آن موجب عدم همکاری متهم با سازمانی که متصدی حراست از حق جامعه است، می‌شود و مانع جمع آوری دلایل، کشف جرم و پیشرفت تحقیقات و در نتیجه زیان جامعه می‌گردد.

۳- سکوت حق متهم است ولی تکلیف پلیس نیست. ( صالحی و ابراهیمی، ۱۳۸۶، ص ۱۸۰)

در حقوق آمریکا اعلام داشتن حق سکوت، حق داشتن وکیل و امتناع از ادای هرگونه مطلبی توسط پلیس به رسمیت شناخته شده است. پلیس مکلف به تفهیم این موارد بوده و عدم رعایت این موارد از موجبات نقض حکم در دیوان عالی کشور آمریکا شناخته شده است. در حقوق فرانسه جهت انطباق با کنوانسیون اروپایی حقوق بشر ابتدا در سال ۱۹۹۳ حق ملاقات متهم با وکیل به مدت ۲۰ دقیقه به رسمیت شناخته شد. (فرهودی نیا و موسی زاده، ۱۳۹۵، ص ۴۷۳)

در فرانسه، افسر پلیس قضایی یا پاسبان پلیس قضایی تحت نظارت او موظف است نسبت به آن به متهم اطلاع رسانی نماید حق اظهار نظر، پاسخ به سؤالات یا سکوت در برابر سؤالات است. بند ۱ ماده ۵۵ اساسنامه دیوان کیفری بین المللی مقرر می نماید که این حق باید به هر شخص تحت تحقیق داده شود. بدیهی است سکوت متهم به مقتضای اصل براءت نباید تنها دلیل مجرمیت او تلقی گردد. ماده ۱-۶۳ آیین دادرسی کیفری فرانسه به حق بیان اظهارات، پاسخ به سؤالات و سکوت در برابر سؤالات صراحت دارد. لذا عملاً این حق محدود به حق سکوت نیست و فرد تحت نظر حق دارد که بعد از بیان هویت خود به بیان اظهارات و نظرات خود، پاسخ به سؤالات مطروحه (که نبایستی این سؤالات خارج از چارچوب موضوع اتهام باشد) سکوت در برابر آن پردازد. نسبت به حق مذکور هیچ گونه استثنایی در قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه مشاهده نمی شود و این مطلب از متن ماده مذکور مشخص می گردد که برخلاف حقوق دیگر که به مواد قانونی مربوطه ارجاع شده است؛ لیکن در مورد این حق مانند حق مربوط به اطلاع از محل، مدت و تمدید های احتمالی مدت نگهداری به طور مطلق بیان شده و تحدیدی در مورد آن وجود ندارد. (آشوری و سپهری، ۱۳۹۲، ص ۵۳)

#### ب- امکان حضور وکیل از ابتدای دادرسی

امکان حضور وکیل در جریان دادرسی کیفری من جمله در مرحله تحت نظر از آیه ۱۰۵ سوره نساء، قابل برداشت است. یکی از مفسرین، این آیه را این گونه تفسیر می کند که "خصیم" کسی است که از ادعای شاکی یا هر چیزی که در حکم دعوی است، (که همان وکیل است)، دفاع می نماید. پس این آیه، گویای این مطلب است که ای پیامبر، جانب افراد محق را بگیر و عدالت را برقرار نما. (طباطبایی، ۱۳۹۳، ص ۴۸۲) در سیره علوی نیز نهاد وکالت و مجوز حضور وکیل در دادرسی وجود دارد. (فضائلی و ملاکه، ۱۳۹۴، ص ۱۴۷)

بدون شک مساله حق دفاع متهم در کلیه مراحل دادرسی خصوصاً کشف جرم و تحقیقات مقدماتی مورد توجه اسناد بین المللی و بسیاری از کشورهای جهان نیز که حامی حقوق بشر می‌باشند قرار دارد و از جمله مهم‌ترین تضمینات حق دفاعی متهم، حق داشتن وکیل می‌باشد. از آن جا که در حقوق ایران، دادستان و شاکی خصوصی می‌توانند در کشف جرم و تحقیقات مقدماتی حضور فعال داشته باشند، دادستان با تخصص حقوقی و شاکی با داشتن وکیل، در کشف جرم و تحقیقات مزبور دخالت دارند این حق برای متهم هم باید وجود داشته باشد. (داودی، ۱۳۸۸، ص ۴)

حقوق دانان کوشیده اند تا با تضمین و رعایت حق های دفاعی متهم (از جمله تاکید حق متهم بر استفاده از مشورت وکیل مدافع یا مشاور حقوقی) از همان مرحله های ابتدایی ورود فرد به فرآیند دادرسی کیفری ضمن ایجاد توازن میان تلاش برای حفظ نظم عمومی و تامین حق های فردی، به ترافیعی شدن هر چه بیش تر دادرسی و کاستن از ویژگی های تفتیشی دادرسی کیفری اقدام کنند. میزان مداخله وکیل مدافع به عنوان فردی متخصص و آگاه بر ظرافت های قضائی که به نمایندگی و به همراه متهم در مرحله های دادرسی حاضر می شود، همواره محل اختلاف صاحب نظران بوده است. (مظاهری، ۱۳۸۵، ص ۲۴۴)

مطابق ماده ۱۲۸ قانون آیین دادرسی کیفری سابق، وکلا فاقد اختیارات لازم در پرونده مطروحه بودند ولی ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری فعلی برای اولین بار به حقی اشاره می کند که مغفول واقع شده بود. ماده موصوف به متهم حق می دهد با شروع تحت نظر قرار گرفتن و با رعایت محرمانگی تحقیقات و مذاکرات، تقاضای حضور وکیل نماید. نکاتی که در مورد این ماده لازم به ذکر است ذیلا تبیین می شود:

۱- حق حضور وکیل یا به عبارتی بهره مندی شخص تحت نظر در فاز پلیسی، امری بدیهی است و ضابطان نمی توانند با آن مخالفت نمایند.

- ۲- شخص تحت نظر، با متهم تفاوت دارد؛ چون مرجع تفهیم اتهام، پلیس نیست تا رسیدگی به اتهامات متهم در اختیار او باشد؛ البته قول مخالف نیز وجود دارد. به نظر نگارندگان این ماده به خاطر استفاده کردن از واژه "متهم"، صحیح نمی باشد.
- ۳- ضابطان باید ترتیبی اتخاذ کنند تا ملاقات و کیل با ضابطان در شرایطی آرام و بدون دغدغه صورت گیرد، حتی قرائن رعایت حقوق موکل در تحت نظرگاه باید قابل گزارش و یا مشاهده و کیل باشد.
- ۴- برخورد با وکلا در حین ورود به کلانتری، پلیس مبارزه با مواد مخدر، پلیس امنیت عمومی و... با سایر ارباب رجوع های پلیس های تخصصی متفاوت است، این تفاوت از حیث تسهیل در ورود وکلا در کلانتری ها و پاسگاه ها قابل رویت می باشد.
- ۵- به نظر می رسد تهیه صورتجلسه ملاقات با ذکر عناوین لازم که به تذکرات و کیل به ضابطان می انجامد، در راستای فحوای ماده لازم است و تقدیم نسخه ای از آن به وکیل لازم می آید.
- ۶- حق مندرج در ماده ۴۸، صرفاً صوری بوده و با حق مشابه در نظام دادرسی فرانسه متفاوت است؛ چرا که مداخله وکیل در پرونده در کشور مزبور، مداخله موثر فعال است نه منفعل. حتی ضابطان مکلف به انتخاب وکیل از کانون وکلا (در صورت مشخص نبودن وکیل) می باشند. این پویایی در مقررات ما مشاهده نمی شود. البته چنان چه ضابطان بخواهند از حدود ماده ۴۸ عدول کنند و با وکیل و متهم همکاری بیش تری نمایند، متهم به فساد اداری خواهند شد؛ لذا این ماده دارای اشکال جدی در این خصوص می باشد.
- ۷- قطع نمودن سخنان وکیل و تحت نظر، سخن گفتن بین مذاکره آنان در بازه زمانی یک ساعت، تحقیر شخص تحت نظر در اثنای ملاقات، با روح ماده در تعارض است.

- ۸- اظهار نظر ضابطان در خصوص سرانجام پرونده و شرح مذاکرات آنان با مقامات صالح در مورد آن شخص، نیز در حضور یا عدم حضور وکیل، ممنوع می باشد.
- ۹- تعدیب روحی توسط ضابطان در زمان ملاقات؛ مانند تاریک کردن و نمودن بودن اتاق ملاقات، ایجاد سر و صدا در اتاق، نشستن پشت سر آنان، حرکاتی که اثرش ایجاد تالم در تحت نظر و موکل اوست، مثل قدم زدن های پشت سرهم، بازی با کلید، چرخاندن زنجیر و... ممنوع است.
- زمان حضور فعال وکیل در فرانسه، طبق صراحت ماده ۴-۶۳، شروع تحت نظر است. در خصوص این حق در نظام دادرسی کیفری فرانسه، چندین نکته قابل تامل است:
  - ۱- مرجع تحت نظر، به حکم ماده ۶۳، افسر پلیس قضایی است و او فقط در صورت ضرورت تحقیقات و یک یا چند دلیل مقبول، می تواند شخص را تحت نظر قرار دهد.
  - ۲- مذاکرات وکیل و شخص تحت نظر، محرمانه است.
  - ۳- افسر پلیس قضایی یا مامور پلیس قضایی، مکلف به ارائه اطلاعاتی از قبیل ماهیت و تاریخ جرم به وکیل هستند.
  - ۴- ملاقات در ۳۰ دقیقه صورت خواهد گرفت.
  - ۵- وکیل می تواند نکات لازمی را که فکر می کند موثر است ابراز نماید.
  - ۶- در جرایم آدم ربایی و توقیف غیر قانونی در باند سازمان یافته، قوادی، سرقت بانندی سازمان یافته، اخاذی و مشارکت بزهکارانه، در پایان چهل و هشت ساعت بعد از تحت نظر، وکیل حق ارتباط گیری با وی را دارد. ملاقات وکیل با اشخاص تحت نظر در مورد اتهامات قاچاق مواد مخدرو رفتار سازنده اعمال تروریستی، پس از پایان هفتاد و دومین ساعت بعد از تحت نظر میسر خواهد بود.
- با توجه به این که در این مرحله، پلیس صلاحیت تحت نظر قرار دادن افراد مظنون را دارد و می تواند به گردآوری دلایل ضروری به منظور کشف حقیقت بپردازد،

حقوق فرد مظنون نسبت به سایر مراحل فرآیند کیفری بیشتر در معرض تضییع قرار می‌گیرد. در چنین بستری است که قانون‌گذار فرانسوی به منظور رعایت هر چه بیشتر حقوق فردی و تحت تأثیر رویه قضایی دیوان اروپایی حقوق بشر، شورای قانون اساسی آن کشور، حق داشتن وکیل در مرحله تحت نظر را به رسمیت شناخت. این حق که ابتدا در سال ۱۹۹۳م به صورت یک ملاقات ساده از بیستین ساعت تحت نظر پذیرفته شد، به موجب اصلاحات تقنینی در سال‌های ۲۰۰۰ و ۲۰۱۱م به حضور فعال وکیل شخص تحت نظر در این مرحله تبدیل شده است. (ساقیان، ۱۳۹۳، ص ۱۰۴)

حق برخورداری از وکیل مدافع در انگلستان نیز در جهت تامین حقوق دفاعی متهم پیش بینی شده است. این حق در اداره پلیس به موجب ماده ۵۸ قانون پلیس و دلایل کیفری (۱۹۸۴) به رسمیت شناخته شده است. برابر این ماده و آیین نامه اجرایی آن، متهمین می‌توانند از لحظه‌ای که در اداره پلیس به آن‌ها تفهیم اتهام می‌شود، از مشاوره یک وکیل بهره‌مند گردند. (حیدری، ۱۳۹۴، ص ۴۲)

### ج- توجه به اصل برائت در کشف جرم

در قرآن کریم آیاتی وجود دارد که به طور ضمنی، گویای اصل برائت می‌باشد که عبارتند از: آیه ۷ سوره طلاق، ۵ سوره اسراء و ۱۱۵ سوره توبه. علاوه بر آیات ذکر شده، آیات دیگری نیز در قرآن وجود دارد که لفظ برائت را در معنای فقهی خود به کار برده است که به طور مثال می‌توان به آیات ۵۳ سوره یوسف و ۳۵ سوره هود اشاره نمود.

علاوه بر آیات فوق، روایات نیز موید اصل برائت می‌باشند. در حدیث مشهور رفع و حدیث منتسب به پیامبر اکرم (ص) که فرمودند "کل شیء مطلق حتی یرد فیه نهی" (حر عاملی، ۱۳۷۶، ج ۱۸، ص ۱۲۷) و در کتاب دعائم الاسلام حدیثی در تایید اصل برائت، آمده است:

وَ عَنهُ (ع) أَنَّهُ كَانَ يَعْزِضُ السُّجُونَ فِي كُلِّ يَوْمٍ جُمُعَةً فَمَنْ كَانَ عَلَيْهِ حَدٌّ أَقَامَهُ وَ مَنْ لَمْ يَكُنْ عَلَيْهِ حَدٌّ خَلَّى سَبِيلَهُ.<sup>۱</sup> (مغربی، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۴۴۳)

به رسمیت شناختن اصل برائت علاوه بر این که در تعهدهای بین‌المللی ناشی از پیوستن به شماری از اسناد بین‌المللی الزام‌آور مانند میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶) ریشه دارد در بالاترین سطح تقنینی نیز از سوی خبرگان قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آن هم به منظور معرفی ابعاد مختلف «حقوق ملت» و تضمین آنها مورد توجه قرار گرفته است.

اصل برائت و مفهوم پر غنای فرض برائت ۲ لزوم توجه کلیه ضابطین را در مورد چرخه رسیدگی کیفری متحول نموده است. امروزه نمی‌توان سخن از اختیارات ضابطان علی‌الاصول نمود، بلکه آن چه که در عداد اختیارات می‌توان فرض کرد، همان تکالیف آنان است. فرض برائت که در ماده ۱۴ میثاق حقوق مدنی و سیاسی، بند ۱ ماده ۱۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر و بند ۵ اعلامیه اسلامی حقوق بشر آمده است، به طور گسترده و به عنوان یک اصل مبنایی در عدالت کیفری مورد قبول است. (Schwikkard, 1999, p.25)

قبل از پرداختن به جایگاه برائت در کشور فرانسه، جهت تشحید ذهن باید عرض شود که از نظر نگارندگان اصل برائت با فرض برائت و مفاهیم مشابهتی ندارد؛ چرا که استفاده از عنوان اصل، به اشتباه از اصول عملیه به قوانین وارد شده است. البته برخی معتقدند، اصل برائت در فقه دارای منشا و پیشینه فقهی است؛ حال آن که فرض بی‌گناهی متهم در حقوق اروپایی دارای منشا و پیشینه اروپایی است و این دو اصطلاح از یکدیگر متمایزند. (قربانی، ۱۳۹۱، ص ۶۶)

۱. امیرمؤمنان (ع) هر روز جمعه به زندان می‌رفتند هر کس که حدی داشت بر او اقامه می‌کردند و هر کسی که حدی نداشت او را آزاد می‌کردند که دلالت بر اصل برائت ذمه او دارد.



اجماع فقها و دلیل عقلی را دلایل اعتبار اصل برائت خوانده اند و اخباری ها هم در اعتبار اصل برائت تردید نموده اند. بعضی نیز قائل به جامعیت اصل عدم، نسبت به اصل برائت می باشند و می گویند حق این بود این اصل (عدم) به جای اصل برائت، پیش بینی می شد. ( خواجه زاده و بینائیان، ۱۳۹۶، ص ۳۵)

شهید صدر، به عنوان یکی از علمای مسلم اصول فقه، با تیتیر (المنهج علی مسلک قبح القاب بلا بیان) در حلقات خود، عقیده دارد اعم اصول عملیه در این مقام، همان قاعده قبح عقاب بلا بیان است که البته به آن برائت عقلیه نیز می گویند. ( فان اعم الاصول العملیه حیثئذ هو قاعده قبح عقاب بلا بیان و تسمی ایضا بالبرائه العقلیه). ( شهید صدر، ۱۴۳۱، ص ۳۵)

پس، اگر اصل را بر برائت بدانیم، ضابطان می توانند متعرض حقوق اشخاص شوند، دستگیر نمایند، قرار مجرمیت و جلب به دادرسی برای آنان صادر شود و بعد از یک سال طبق اصله البرائه، از اتهام انتسابی، تبرئه گردد. واقعاً محتوای برائت این است؟ ولی اگر فرض بر برائت باشد، نمی توان ناقض حقوق بشر شد.

البته برخی از حقوقدانان لیبرال مانند پروفیسور ژان کرینیه ۱ استاد سابق دانشکده حقوق دانشگاه پاریس معتقد بوده که انقلابیون فرانسوی در اعلامیه حقوق بشر ۱۷۸۹ و به هنگام اصل برائت تا حدودی مرتکب بی احتیاطی شده و واقعیات ملموس قضایی را فدای شعارهای انقلابی نموده اند. ( آشوری، ۱۳۷۲، ص ۴۵)

بر اساس رویه قضایی دیوان عالی کشور فرانسه، اصل برائت مبنا و بنیان حق دفاع و به طور کلی دادرسی است. زیرا عدم رعایت اصل برائت عملاً موجب عدم تاثیر و حتی بیهوده بودن حق دفاع متهم می گردد. بر همین اساس اصل برائت در مرکز و قلب مکانیزم جستجوی حقیقت در رسیدگی کیفری قرار می گیرد و شایسته است که اصل

برائت در راس تضمینات یک آیین دادرسی کیفری دموکراتیک قرار گیرد. (یاوری، ۱۳۸۸، ص ۳۲۵)

بند سوم ماده مقدماتی قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه مقرر می نماید:  
 "هر شخص مظنون و یا تحت تعقیب تا زمانی که مجرمیت وی به اثبات نرسیده باشد، بی گناه فرض می شود...."

در تایید ماده مقدماتی، ماده ۱۱ این قانون جریان تحقیقات را در صورتی مجاز می داند که لطمه به حقوق دفاعی متهم وارد ننماید؛ حتی اصل رعایت حقوق دفاعی متهم زیر شاخه اصل و فرض برائت قرار می گیرد. اصل برائت ایجاب می نماید که تفتیش و بازرسی محل اقامت اشخاص حتما با رضایت صریح شخص باشد (ماده ۷۶) چرا که او در زیر چتر حمایتی برائت قرار دارد. فرضیه بی گناهی عبارت است از این که فرد بیگانه است حتی زمانی که مظنون به ارتکاب جرم است یعنی قبل از محکومیت در دادگاه نیز بی گناه فرض می شود. احترام به فرض بی گناهی و آزادی های اساسی هر فرد، عمدتا در نظام قضایی فرانسه تضمین شده است. این فرض باید توسط مقامات قضایی و مقامات دولتی و مطبوعات (مانند ممنوعیت به تصویر کشیدن فرد با دستبند در زمان عدم اثبات جرم) رعایت گردد. (Presomption d,innocence,2018, P. 5)

مبنای عدول از اصل برائت در بسیاری از موارد، همان مبنایی است که حاکمیت اصل برائت در امور کیفری را توجیه می کند. به عبارت دیگر، همان گونه که عدالت قضایی اقتضاء می کند در صورت عدم وجود دلیل، برائت و بی گناهی متهم مورد حکم قرار می گیرد، در موارد خاصی نیز که وجود قراینی ظن ارتکاب جرم توسط متهم را تقویت می کند، اقتضای عدالت حقوقی و مصالح عمومی، تقدم اماره مجرمیت بر اصل برائت است. عدول از اصل برائت در صورتی توجیه منطقی خواهد داشت که اماره ای قانونی یا قضایی که سبب ایجاد ظن قوی یا اطمینان آور است در

میان باشد. وجود این امارات موجب تغییر روند دادرسی خواهد شد و به این طریق اصل براءت نسبت به متهم مخدوش شده و در نتیجه به رغم عدم وجود دلیل قاطع، قاضی به روش های استثنایی دادرسی متوسل می شود. نمونه بارز توسل به روش استثنایی دادرسی در حقوق کیفری اسلام را در موارد قتل مشکوک موجب لوث می توان یافت. (شمس ناتری، ۱۳۸۱، ص ۷۳ و رضوی، ۱۳۹۱، ص ۸۷)

این اصل (اماره بی گناهی) در چند تصمیم، خصوصا تصمیمات ۹ ژوئیه ۱۹۸۰ و ۲ فوریه ۱۹۹۵ و به ویژه در تصمیم مشهور ۱۹ و ۲۰ ژانویه ۱۹۸۱ به نام "آزادی و امنیت" تأیید شده است. شورای قانون اساسی در تصمیم "آزادی و امنیت" مقرر می دارد: "گزینه انتخابی دادستان در میان روش های تعقیب هر چه باشد... در نهایت حکم ماهوی پرونده به دادگاه تعلق دارد... و دادگاه باید در مجرمیت متهم، که بی گناهی او همیشه مفروض است، بر اساس قواعد شکلی و ماهوی یکسانی حکم نماید." اگر چه قانونگذار اصولا اماره مجرمیت را در موضوع کیفری نمی پذیرد، با این وجود می تواند خصوصا در مورد تخلفات تا موقعی که ویژگی غیر قابل انکاری ندارند، حقوق دفاعی تضمین شده است و وقایع منطقا واقعتا قابلیت استناد را نتیجه می دهند، چنین اماره هایی را به صورت استثنائی مستقر نماید. (پرادل، ۱۳۸۶، ص ۳۵۵)

در نهایت اصل براءت به موجب ماده ۱۳۷ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه پیش بینی شده است. ماده مذکور مقرر می دارد: "هر شخص تحت بررسی، بی گناه فرض می شود و آزاد باقی می ماند". این ماده حاوی دو اصل مهم است. نخست این که متهم، را واژه مناسبی برای یک شخص نمی داند و به جای ذکر نام متهم در ماده مذکور از شخصی سخن می راند که اقدامش تحت بررسی است. دوم این که خروجی اصل براءت را احترام به آزادی شخص می داند و هر اقدام تحدید کننده و زائل کننده آزادی را ممنوع می داند.

اصل براءت در قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه در مواد متعددی لحاظ شده است؛ مثلاً لزوم موردی بودن دستورات جستجو و تحقیق و صدور جلب و بازداشت توسط بازپرس (ماده ۱۲۲)، امکان ثبت و ضبط ارتباطات مفید برای کشف جرم توسط بازپرس با افسر پلیس قضایی (ماده ۵-۱۰۰)، حق تجدید نظر خواهی متهم (ماده ۱۸۶) و... همه در راستای اصل براءت و فرض بی گناهی او تشریح شده اند.

#### د- حق برخورداری از ضابطان آموزش دیده و نظارت بر ضابطان

در اسلام، ماموران حکومت اسلامی از جایگاه رفیعی برخوردارند. حضرت علی (ع) در خصوص ضابطان، جایگاه و اهمیت آنان فرمودند: "فالجود باذن الله حصون الرعيه و زين الولاة و عز الدين و سبل الامن... " (دستی، ۱۳۸۴، ص ۴۰۸). ضابطان با جایگاه موصوف، نقش بسزایی را در نظام عدالت کیفری ایفا می نمایند.

هم چنین در کلام ایشان، حاکمان و والیان و کارگزاران را موظف نموده اند که بر احوال ماموران (مانند ضابطان) بررسی و پایش نمایند. "ثُمَّ تَفَقَّدْ اَعْمَالَهُمْ، وَ اَبْعَثِ الْعِيُونَ مِنْ اَهْلِ الصَّدَقِ وَ الْوَفَاءِ عَلَيْهِمْ، فَان تَعَاهَدَكَ فِي السِّرِّ الْاُمُورِهِمْ... " (دستی، ۱۳۸۲، ص ۴۱۱)

یکی از شاخص های تعیینی وجود آموزش در کار پلیس و دیگر ضابطان، استاندارد بودن عملکرد آن هاست. به مدد این استانداردها می توان عملکرد ضابطان را ارزیابی نمود و از میزان رعایت اصول حقوق بشری در ماموریت های آنان اطمینان حاصل نمود. این استانداردها مسبوق به تجارب کشورهای مختلف و رصد شدن تحت آزمون و خطاهای مختلف است و در کارآیی آن هیچ گونه تردیدی نیست.

۱. متولیان امنیت (ضابطان)، به اذن الهی، دژ و باروهای مردم، زینت حکومت، عزت دین و طرق امن مردم هستند.

۲. پس در کارهای کارگزاران (مانند ضابطان) واریسی کن، و ارباب راستی و وفا را بر آنان مراقب ساز، که بازرسی نهانی در کارشان، آنان را به امانت داری و نرمی با مردمان وادار می سازد.

مسئله اصلی در استاندارد سازی رفتار ضابطان، حوزه رویه ها و عملکردها است. به نحوی که رفتار کاملاً منطبق بر قوانین از سوی کلیه ضابطان دادگستری مستقر در نهادهای مختلف بروز نماید. (انصاری، ۱۳۹۲، ص ۷۸۳)

استاندارد سازی و ایجاد وحدت رویه اساساً یک پدیده نیکو و منجر به نظم و ترتیب است. استاندارد سازی رفتار ضابطان باید به عنوان یکی از اهداف و اولویت ها و ایجاد و تقویت منش مطلوب مد نظر قرار گیرد. مدیران اجرایی کشور می باید در جنبه های فنی و مهندسی استانداردسازی برنامه ریزی صحیحی منظور نمایند تا رخداد استانداردسازی برای افکار و اخلاق و رفتار دور از واقعیت متصور نگردد. (عبدی نژاد، ۱۳۹۲، ص ۷۶۴)

از دیگر نشانگان وجود ضابطان آموزش دیده و استاندارد، جانمایی ساز و کار نظارتی بر آنان می باشد. محاکم تجدید نظر، به حکم ماده ۱۹۱ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه دارای حداقل یک شعبه تحقیق می باشند. این شعبه دارای یک رییس و دو مستشار است. شعبه موصوف حق دارد بر اقدامات و عملکرد افسران و ماموران پلیس قضایی نظارت کند. یکی از نکات بارز و شاخص شعبه مذکور، ارسال تذکرات و ملاحظات برای افسران و ماموران است. این حق، در راستای صیانت از کارکنان پلیس است؛ یعنی شعبه رسیدگی کننده به تخلفات پلیس، نقش پیشگیرانه دارد. در صورت احراز جرم، دستورات لازم را ابلاغ می نمایند. این مقررات نشان می دهد که عنایت ویژه ای در فرانسه جهت مقابله با نقض حقوق بشر توسط پلیس است.

تحقق انضباط سازمانی، ثمره مثبت آموزش به ضابطان است. «انضباط، نوعی آموزش است که هدف آن اصلاح رفتار و طرز برخورد کارکنان است، چنان چه تمایل آنان را به مراعات مقررات سازمان و مدیریت بر می انگیزد». (اولیولاندی، ۱۳۸۶، ص ۲۴۸)

در تحقیقی آمده است که برنامه تحصیلی (آموزشی) ملی اساسی در کشورهای مدیترانه ای، موضوع حقوق اساسی را در سطوح مختلفی به کار می گیرند. در تمام این کشورها، آموزش مرزبانی شامل درس های نظری درباره ابزارهای کلیدی حقوق بشر بین المللی و اروپایی است. آموزش شامل حقوق بنیادی، معمولاً توسط پروفیسورها، قضات، دادستان ها و سازمان های مردم نهاد یا سازمان های بین المللی ارائه می شود. در سال ۲۰۰۷ پلیس تلاش کرد تا استانداردهای مشترک اتحادیه اروپا و آموزش های Frontex را در آموزش های ملی اش ترکیب کند. در سال های ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹ زمینه های آموزشی برای محافظین ساحلی هلنیک و پرسنل پلیس هلنیک که برای مدیریت مرزهای خارجی طراحی شده بودند، عبارت بودند از: قانون انجمن، آموزش زبانی، بازرسی وسایل، کشف اسناد جعلی و...؛ آموزش های دیگری در نقاطی مانند مالت بر پایه حقوق بشر بر کارهای معمول پلیس تمرکز دارد. در ایتالیا نیز هر نیروی پلیس به صورت خودگردان برای کارمندان آموزش هایی را در آکادمی های مجزای اجرای قانون یا مراکز آموزشی تدارک می بیند؛ برای مثال، پلیس ملی دو مرکز آموزشی برای افسران پلیس کارآموز در شمال ایتالیا و یکی در جنوب، ایجاد کرد. در مجارستان نیز پلیس، یک دوره آموزش اجباری ۸ ساعته در هر ماه را طی می کند. این گونه پلیس در آموزش های حقوق بشر، سهم می شود. (Border Guard, 2013, P. 8-11)

لازم به ذکر است یکی از رموز موفقیت پلیس فرانسه در تحقق اصول حقوق بشر در عملکرد خویش، این است که ضابطان فرا گرفته اند که سخنگوی قانون باشند؛ پترنالیسم به پلیس و دیگر ضابطان، می آموزد که درست است حق آزادی، محترم است؛ لیکن آزادی به هر بهایی، فاقد ارزش می باشد. در کنار آزادی اشخاص، منافع فردی آنان هم محترم است؛ مانند حق حیات، آسایش، نظم و رفاه و آسایش. اگر پلیس فرانسه با الکیسم، قوادی و فحشاء، برخورد می نماید به معنای مرزهای شرعی تعیین

شده مانند آن چه در ایران و دیگر کشورهای اسلامی، حاکم می باشد نیست؛ بلکه به این دلیل است که مصرف مشروبات الکلی، انسان را در حین رانندگی، مست کرده و مسلوب الاختیار و اراده می نماید، خروجی این رفتار، ایجاد یک تصادم و عزادار کردن یک خانواده و بالا رفتن آمار تصادم، بدینی دنیا به فرهنگ رانندگی فرانسویان و... است. این ها مواردی است که در رویه پلیس فرانسه، نهادینه شده و ماخذ آن هم، آموزش هایی است که طی نموده اند.

در ایران نیز کلیه ضابطان، آموزش های لازم را جهت توجه به حقوق بشر طی می نمایند (که البته ساز و کار مطلوب تر در قسمت پیشنهادهای این مقاله ارائه می شود). پلیس ایران نیز با مقید نمودن خود به رعایت این حقوق، آن ها را فرا گرفته و در عمل، به آن پایبند است. نظارت بر پلیس در سه بعد صورت می گیرد؛ از لحاظ امنیتی، سازمان حفاظت اطلاعات و از نظر جرایم غیر امنیتی (که نقض اصول حقوق بشری شامل این جرایم است)، ادارات بازرسی و هر گونه اقدام مخالف حقوق بشر که از جهت شرعی نیز مذموم می باشد توسط سازمان عقیدتی سیاسی مورد پایش قرار می گیرد.

#### ه- حق تماس تلفنی با خانواده

اسلام در مورد این حق و حق ملاقات با پزشک فاقد حکم صریح می باشد ولی در مفهوم کلی، حقوق متهمین را به عنوان لزوم رعایت کرامت همگان (من جمله اشخاص تحت نظر) مورد توجه قرار داده است.

هر شخص به علت ارتکاب هر جرمی، مستحق مجازات است؛ لیکن هیچ سازمان و فردی مجاز به تعذیب روحی اشخاص تحت نظر ندارد. ممانعت از تماس افراد تحت نظر در نزد ضابطان، هم موجب رنج روحی برای این افراد و هم بی اطلاعی خانواده های آنان می باشد. تماس با تلفن سیم دار، بی سیم و... فاقد موضوعیت خاص است و

شخص حق دارد به هر وسیله ای که تمایل داشت، مراتب را به بستگانی که به مصلحت می داند اطلاع دهد و ضابطان نمی توانند نسبت به مخاطب خاص وی گزینش نمایند. قانونگذار در بند «۵» قانون احترام به آزادی‌ها مشروع و حفظ حقوق شهروندی، بایسته‌هایی را لحاظ نموده است و آن‌ها عبارتند از این که:

اولاً؛ این مقررہ صریحاً باید پیش بینی می نمود که متهم بتواند به واسطه تلفن یا ارسال نامه عادی یا الکترونیکی یا هر وسیله مناسب دیگر اطلاع رسانی کند.

ثانیاً؛ مقنن دایره اطلاع رسانی را به روشنی بیان نکرده و صرفاً به عبارت «در جریان قرار بگیرد» اکتفا نموده است، در حالی که می توانست بدین موضوع تصریح نماید که آیا نفس دستگیری باید به اطلاع برسد یا دلایل اتهام وارده و محل دستگیری فعلی و احتمالی متهم نیز باید مورد اطلاع رسانی قرار بگیرد.

ثالثاً؛ مخاطب اطلاع رسانی صرفاً خانواده است، در حالی که ضرورتی برای انحصار موضوع به خانواده نیست و دوستان یا بستگان متهم یا وکیل او مخاطبانی هستند که مقنن می بایست بدان‌ها اشاره می نمود چرا که در برخی شرایط، عملاً خانواده دستگیر شدگان فرصت و موقعیتی برای مداخله و پیگیری امور متهم به لحاظ بعد مکانی یا هر دلیل دیگری ندارند.

رابعاً؛ این حق به صورت مطلق در کلیه دستگیری‌ها مطمع نظر قرار گرفته است بی آنکه اتهامات تفکیک شده و در جرایم مختلف، تابع ضوابط مقتضی باشند. رعایت مصالح خاص در جرایم بسیار شدید، اقتضای محدودیت‌های خاصی را در این رابطه می نماید و باید به ماموران پلیس یا مقامات قضایی اختیار داد تا در جرایم خاص و با دلایل ویژه و البته به صورت مستند، در اعمال این حق محدودیت ایجاد نمایند. در مقابل در جرایم از درجه متوسط به پایین این اختیار را توسعه داد تا هم مخاطبین آن بیشتر باشند و هم اطلاع رسانی کامل و در سریع‌ترین زمان ممکن باشد.



خامساً وضع تکلیفی که ضمانت اجرایی در خور، بر آن بار نشود، به منزله نبودن قانون است، متأسفانه مقنن در مصوبه مذکور توجهی بدین موضوع ننموده که اگر درصدد تغییر رویه های غالباً پلیسی که عموماً شایع نیز هستند، می باشد باید ضمانت اجرایی قوی بر تکلیف تحمیلی به نیروهای پلیس بار کند. (شهرنیا، ۱۳۹۳، ص ۷۱)

در حقوق انگلستان به موجب بند ۱ و ۲ ماده ۲۸ قانون پلیس و ادله کیفری، پلیس موظف است بلافاصله پس از دستگیری یا در اولین زمان ممکن، دستگیری و دلایل آن را به فرد اطلاع دهد. در غیر این صورت دستگیری قانونی نخواهد بود. این حق برای خانواده آنان نیز وجود خواهد داشت. ماده ۵۶ قانون فوق بیان گر حق اطلاع دادن به یک شخص درباره بازداشت فرد در اداره پلیس است. به موجب این ماده، فرد بازداشت شده می تواند تقاضا کند که به یک نفر از اعضای خانواده یا دوستان یا هر شخص دیگری که می خواهد وضعیت خود را اطلاع دهد. (طاهری، ۱۳۹۶، ص ۵۰)

ماده ۲-۶۳ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه اشعار می دارد: "هر شخص تحت نظر می تواند به درخواست خود، در مهلت پیش بینی شده در بند آخر ماده ۱-۶۳ به وسیله تلفن، به شخصی که عادتاً با او زندگی می کند یا یکی از والدین خود در خط مستقیم، یکی از برادرها یا خواهرهای خود یا کارفرمای خود، موضوع را اطلاع دهد. اگر افسر پلیس قضایی به خاطر ضرورت تحقیق، معتقد باشد که شخص مزبور نباید از چنین حقی استفاده کند، باید فوراً موضوع را به اطلاع دادستان شهرستان برساند تا در ارتباط با این موضوع تصمیم بگیرد.

نکات مهم این ماده به قرار زیر است:

- ۱- این مدت، حداکثر سه ساعت از زمان شروع تحت نظر می باشد (ذیل ماده ۱-۶۳)؛
- ۲- انحصار ارتباط به تلفن، امری غیر صحیح بوده و با حکمت تشریحی آن در تضاد است؛

۳- قیود (شخصی که عادتاً با آن زندگی می‌کند، برادر و خواهر، یکی از والدین و کارفرما)، حشو است و کافی بود به این بسنده می‌شد که هر شخصی که تحت نظر صلاح بداند، بتواند با او به هر نحوی ارتباط برقرار نماید؛

۴- مبسوط الید نمودن افسر پلیس قضایی و اعتقاد شخصی او نمی‌تواند مستمسکی در سوء استفاده از موقعیتش باشد؛

۵- تشخیص ضرورت تحقیق با مقام تحقیق است و نه مقام کشف جرم (در نظام حقوقی فرانسه).

### **و- حق ملاقات با پزشک**

حق ملاقات با پزشک و حقوق درمانی شخص تحت نظر، در ماده ۵۱ قانون آیین دادرسی کیفری ما پیش بینی شده است. به موجب ماده معنون، شخص تحت نظر یا یکی از بستگان نزدیک وی، حق دارد که یکی از پزشکان به تعیین دادستان از شخص تحت نظر معاینه به عمل آورد. گواهی پزشک در پرونده ثبت و ضبط می‌شود.

در این خصوص ماده ۵۱ آیین دادرسی کیفری مقرر می‌دارد: «بنا به درخواست شخص تحت نظر یا یکی از بستگان نزدیک وی، یکی از پزشکان به تعیین دادستان از شخص تحت نظر معاینه به عمل می‌آورد. گواهی پزشک در پرونده ثبت و ضبط می‌شود.» آوردن این ماده نشان دهنده توجه مقنن به حفظ سلامت فرد تحت نظر و رعایت حقوق وی که به خوبی به آن اشاره شده است، آنچه از ماده مذکور مستفاد می‌شود این است که استفاده از حق معاینه پزشک اختیاری است و بنا به درخواست است و ضابطین یا دادستان تکلیفی مبنی بر معرفی فرد پزشک از همان بدو تحت نظر نداند و زمانی که بیماری و مشکلی برای فرد حادث شود مکلف به معرفی فرد به پزشک می‌باشند، که البته صحیح تر آن است که این امر به صورت اجباری انجام پذیرد؛ بنابراین الزام معاینه متهم توسط پزشک معتمد (ترجیحاً پزشک قانونی) در فاصله حداکثر یک ساعت پس از بازداشت و تحت نظر قرار گرفتن وی به تقاضای

متهم، وکیل یا اعضای خانواده اش با تنظیم صورتجلسه به عمل خواهد آمد و اصل صورتجلسه ضمیمه پرونده و تصویر آن، در صورت درخواست متقاضی، به وی تسلیم می شود. البته حق مذکور در این ماده باید کتبی و قبل از شروع بازجویی به متهم تفهیم شود. این امر هم انعکاس وضعیت ظاهری متهم از حیث سلامت یا وجود آثار ضرب و جرح، بی حالی، بدحالی، خستگی شدید توسط بازجویان و ... در زمان تحقیق از متهم تا حضور وی نزد قاضی الزامی است. آن چه از این قانونگذاری حاصل می گردد این است که بیند متهم از نظر جسمی و روحی توان این را دارد که ۲۴ ساعت تحت نظر باشد یا این که ممکن است فرد نیاز به کمک فوری داشته باشد؛ زیرا به طور مثال اگر شخص تحت نظر به علت ترک اعتیاد نیاز به داروهای خاص داشته باشد برای رهایی از سوالات پلیس و دستیابی به این داروها به تمام سوالات پاسخ مثبت داده و شرایطی را برایش ایجاد می شود که باعث تضییع حقوق وی خواهد شد و در نتیجه با معاینه اولیه، اقدامات درمانی به عمل خواهد آمد و از تضییع حقوق وی و ایجاد فشار به وی خودداری می شود و از طرفی دیگر زمینه را برای سوء استفاده احتمالی پلیس و ضابطین از طریق اذیت و آزار متهم مسدود می نماید. در قانون آیین دادرسی کیفری با توجه به عدم پیش بینی تمدید مدت تحت نظر درباره الزام به معاینه پزشکی یا انجام معاینه در زمان های تحت نظر در اماکن پلیس بیش از ۲۴ ساعت ساکت است و به این موضوع صرفاً در ماده ۳-۶۳ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه آمده است: « هر شخص تحت نظر می تواند به درخواست خود، توسط یک پزشک منتخب دادستان جمهوری یا پلیس افسر قضایی مورد معاینه قرار گیرد ... در هر زمان دادستان یا افسر پلیس قضایی می تواند راساً یک پزشک برای معاینه شخص انتخاب کند. » ( طاهری، ۱۳۹۶،

در رویه جاری ایران، در صورت بیماری شدید شخص تحت نظر و نه به صرف اظهار فرد، ترتیب ماده فوق مراعی است. ضمن این که شخص تحت نظر به بیمارستان‌ها و کلینیک‌های ناجا منتقل می‌شود و مراتب در دفتر ثبت وقایع توسط افسران نگهبان و جانشین درج می‌گردد و یا حداکثر با بازپرس کشیک، هماهنگی صورت می‌گیرد. در مقررات انگلستان پیش بینی شده است که اگر فرد تحت نظر یا بازداشت شده بیمار یا صدمه دیده است و نیاز به مراقبت پزشکی و مصرف دارو دارد، می‌تواند به پلیس خبر دهد. پلیس موظف است با دکتر، پرستار یا دیگر متخصصان پزشکی تماس بگیرد و مراقبت پزشکی مناسبی را برای او فراهم آورد و نیازی نیست که فرد برای این خدمات هزینه‌ای بپردازد. (طاهری، ۱۳۹۶، ص ۵۱)

#### ز- رعایت حیثیت و کرامت و شرافت اشخاص

در قرآن کریم، به موجب آیه "وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْكِبَرِ وَالْبُخْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا" (اسراء: ۷۰) صراحتاً به لزوم احترام به کرامت انسان‌ها (ولو مجرمان) اشاره دارد و انسان را بر بسیاری از مخلوقات، برتری می‌دهد. علاوه بر آیه ذکر شده، به طور اختصاصی، آیات دیگری نیز در قرآن کریم اشاره به این اصل دارد؛ به طور مثال آیه "و من یعتد حدود الله فاولئک هم الظالمون" (بقره: ۲۲۹) به کسانی که از حدود الهی تجاوز نمایند، وصف ظالم بودن را اطلاق داده است و این اشخاص را مستحق مجازاتی بیش از مجازات مقرر الهی نمی‌داند که این آیه در خصوص رعایت حقوق بشر توسط ضابطان، بهترین راهنما در جهت رعایت کرامت اشخاص تحت نظر و... می‌باشد. هم چنین آیه "فمن اعتدی علیکم فاعتدوا

۱. و به راستی ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم و آنان را در خشکی و دریا [بر مرکه‌ها] برنشانندیم و از چیزهای پاکیزه به ایشان روزی دادیم و آن‌ها را بر بسیاری از آفریده‌های خود برتری آشکار دادیم.

علیه بمثل ما اعتدی علیکم" ۱۱ (بقره: ۱۹۴)، عدالت کیفری را با رعایت حقوق بشر ملازم می‌داند.

از نظر قرآن کریم، انسان‌هایی که مرتکب برخی رفتارهای نادرست شوند، گمراه‌تر از حیوانات محسوب می‌شوند (اعراف: ۱۷۹ و محمد: ۱۲) ولی بدترین و شقی‌ترین انسان‌ها نیز با این که در طریق ضلالت قرار می‌گیرند، زیر چتر فراخ کرامت قرار می‌گیرند. کرامت انسانی در تبیین و ارائه احکام فقهی و قواعد حقوقی، تاثیر و نقش قابل توجه و غیر قابل انکاری دارد و بر اساس آن، می‌توان قاعده‌ای با عنوان قاعده "وجوب تکریم الانسان" در فقه و حقوق اسلامی تدوین نمود (ارژنگ و دهقان، ۱۳۹۴، ص ۵۱).

فقه‌های متاخر و معاصر قائل به رعایت کرامت اشخاص و لو افرادی که در بازداشت به سر می‌برند، هستند و در کلام آنان تصریح شده است در صورتی که این اقرار به خاطر اکراه یا اجبار یا حالتی روانی باشد این اقرار نافذ نیست و به آن ترتیب اثر داده نمی‌شود. در روایتی از امام صادق (ع) وارد است که فرمودند که امیر مؤمنان (ع) فرمود: کسی که موقع تجرید (برهنه کردن و زدن تازیانه) یا تخویف یا حبس یا تهدید، اقرار کند حدی بر او جاری نمی‌شود. مرحوم مجلسی در مرآة العقول سند حدیث را ضعیف دانسته است اما در ملاذ الاحیاء می‌فرماید که به آن عمل شده است که در نتیجه عمل علما جابر ضعف سند خواهد بود (مجلسی، ۱۴۰۶، ج ۱۶، ص ۲۹۵ و ۱۴۰۴، ج ۲۳، ص ۴۰۵ و طوسی، ۱۴۰۰، ص ۷۱۸ و حلی، ۱۴۰۵، ص ۵۵۲، گلپایگانی، ۱۴۰۹، ج ۳، ص ۲۱۰).

در فرانسه، شورای قانون اساسی در تصمیم خود در تاریخ ۲۷ ژوئیه ۱۹۹۴ و در مورد پرونده بیواتیک، اصل کرامت انسانی را به صراحت به رسمیت شناخته است. باید توجه داشت که این اصل به عنوان یک (اصل مطلق) که بر مبانی مقدمه قانون اساسی

۱۹۴۶ تکیه می‌ورزد، در نظر گرفته شده است. شورای قانون اساسی فرانسه در این تصمیم از مقدمه قانون اساسی چنین استنتاج نموده که (حفظ کرامت فرد انسانی در برابر هر شکلی از انقیاد و زیان، یک اصل دارای ارزش قانون اساسی می‌باشد). (خانی والی زاده، ۱۳۹۷، ص ۳۷)

مواد ۱-۲۲۲ و ۱-۲۱۲ قانون جزای فرانسه نیز ضمانت اجرای تعهدات فوق محسوب می‌شود. به موجب ماده ۱-۲۲۲ قانون جزای جدید فرانسه (اصلاحی اوت ۲۰۱۳) نیز جرائمی تحت عنوان جرائم علیه بشریت برمی‌شمارد و بیان می‌کند: انتقال اشخاص، تنزل آنان در حد برده، اعدام‌های بدون محاکمه وسیع و منظم، ربودن و ناپدید ساختن افراد و شکنجه یا رفتارهای غیرانسانی، که ملهم از انگیزه‌های سیاسی، فلسفی، نژادی یا مذهبی سازمان یافته بوده و در اجرای یک طرح و نقشه متفق علیه یک گروه از مردم غیرنظامی انجام گرفته باشد محکوم به حبس ابد خواهد شد.

در مقام مقایسه ی داشته‌های حقوقی دو کشور ایران و فرانسه می‌توان برداشت نمود که نظام کیفری فرانسه در نشان دادن واکنش به اعمال شکنجه با محدودیتی از لحاظ ماهیت و موضوع روبه‌رو نیست و انواع شکنجه اعم از روانی یا جسمانی، مستقیم یا غیرمستقیم و با هر انگیزه‌ای را در بر می‌گیرد. در مقایسه، قوانین ایران علی‌رغم گام‌های روبه‌جلو که به واسطه‌ی تصویب قانون آیین دادرسی کیفری و تعیین ضمانت اجرا برای مفاد قانون حقوق شهروندی و هم چنین ماده ۱۶۹ قانون مجازات اسلامی برداشته است، از چند نظر کمبودهایی دارد. جدای از اجمال و ابهام‌های موجود در خصوص شکنجه‌های روانی، ضمانت اجرای موجود در قانون جزا صرفاً شکنجه‌های با انگیزه‌ی کسب اقرار را پوشش می‌دهد و در صورتی که هدف از اعمال رفتار خشونت‌آمیز، کسب اقرار نباشد (جهت ارباب یا تبعیض‌های اقلیتی) مشمول ضمانت اجرای ماده ۵۷۸ (کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی) نخواهد شد؛

بنابراین در ارتباط با مواد موجود در خصوص حفظ شهروندان از اعمال شکنجه‌ی جسمی، نیاز به اصلاح احساس می‌شود. (پارسا، ۱۳۹۵، ص ۱۰۰-۹۹)

### بحث و نتیجه‌گیری:

ضابطان در انجام رسالت‌های قانونی خود موظف به رعایت اصولی هستند که استانداردهای رفتاری آنان را شکل می‌دهد. اصول حقوق بشری عمده‌ترین این اصول می‌باشند که در دو بخش ناظر بر متهم و ناظر بر بزه دیده قابل ذکر می‌باشد. جلوه‌های اصول ذکر شده در خصوص متهم (تحت نظر) عبارتند از: حق سکوت متهم، امکان حضور و کیل در مرحله تحت نظر، توجه به کرامت، حیثیت و شان اشخاص، احترام به آزادی انسان‌ها و ممنوعیت توقیف و بازداشت خودسرانه، رعایت حریم خصوصی، ممنوعیت شکنجه، توجه به حقوق اشخاص آسیب پذیر، مشروعیت تحصیل ادله و آگاهی دادن به تحت نظر و متهم از ادله ابرازی.

در زمینه جلوه‌های بزه دیده محوره، می‌توان اصول حقوق بشری که ضابطان در مرحله کشف جرم، ملزم به رعایت آن هستند را این گونه بیان نمود: تسهیل شرکت بزه دیده در مرحله پلیسی، اصل رعایت کرامت بزه دیده، تامین امنیت بزه دیده، اطلاع رسانی به قربانی، حق دسترسی به پرونده و داشتن و کیل، توجه به نگرانی‌ها و نظرات بزه دیده، هم‌دردی با او و حفظ آبرو و حیثیت، کمک رسانی مناسب به قربانی جرم.

از میان اصول معنون، می‌توان گفت که اصول زیر واجد اهمیت بیش‌تری می‌باشد که با عنوان **اصول حقوق اشخاص متهم (تحت نظر)** از آن یاد می‌شود. این حقوق شامل موارد زیر است:

"پیش‌بینی اصل مشروعیت استجواب کیفری، امکان حضور و کیل از ابتدای دادرسی، توجه به اصل برائت در کشف جرم، حق برخورداری از ضابطان آموزش دیده و نظارت بر ضابطان، حق تماس تلفنی با خانواده، حق ملاقات با پزشک، رعایت حیثیت و کرامت و شرافت اشخاص".

در این مقاله، این اصول مورد واکاوی قرار گرفت. تمامی موارد مذکور در حقوق ایران و اروپا (مانند فرانسه) جزء حقوق لاینفک متهمین می باشد؛ البته وجوه افتراقی در برخی موارد مانند رعایت و حفظ کرامت اشخاص در حقوق ایران و فرانسه قابل رویت است که به اختصار در مقاله بدان پرداخته شد؛ لیکن در مقررات اسلام، حق تماس تلفنی با خانواده و حق ملاقات با پزشک از نظر نگارندگان به صراحت ذکر نشده است؛ اما سایر حقوق مزبور دارای سمة ای اسلامی می باشد.

وجود آیات و روایات متعدد به ویژه در خصوص رعایت اصل مشروعیت استجواب کیفری، امکان حضور وکیل در مرحله پلیسی، توجه به اصل برائت، نظارت بر ضابطان و توجه به کرامت متهمین از اهم تعالیم اسلامی می باشد.

### پیشنهادها:

با توجه به این که جلوه های الزامات حقوق بشری در عملکرد ضابطان ناظر بر متهم (تحت نظر) و بزه دیده دارای آثار متعددی می باشد که حداقل نظام دادرسی کیفری را می تواند تحت تاثیر قرار دهد، به جهت اصلاح رویه موجود در کشور، موارد ذیل پیشنهاد می گردد:

۱- با تخصصی کردن کامل وظایف و اختیارات پلیس و خصوصاً احیای پلیس قضایی و همچنین دادن آموزش لازم به آن ها در زمینه حقوق شهروندی و رعایت آن، باید به سمتی پیش رفت که مردم پلیس را در کنار خود ببینند و نه در مقابل خود. همچنین همگام با پیشرفت علوم و فنون جلوتر از مجرمین و تبهکاران حرفه ای، در امر قانون گذاری و اعمال سیاست جنایی تجدید نظر شود. در این راستا برگزاری دوره های عرضی تبیین حقوق شهروندی و لزوم اخذ گواهینامه این دوره جهت نیل به ترفیع ابزارهای نیل به این هدف است.

۲- برگزاری ادوار استاندارد سازی عملکرد پلیس با محوریت وزارت کشور، وزارت علوم، وزارت بهداشت و قوه قضائیه برای کلیه ضابطان با سر فصل دروسی مانند



"تعامل دستگاه های نظامی، انتظامی با رده های امنیتی کشور و افزایش سطح ارتباطات آنان حتی تا رده های پایین این سیستم ها، ارتقاء مهارت های فردی به ویژه کنترل خشم در زمان گشت زنی، تحت نظر قرار دادن اشخاص، در اجتماعات غیر قانونی، نا آرامی ها و نامدنیته ها، مهارت کنترل استرس و..."

۳- تفکیک مراحل دادرسی کیفری به ویژه کشف جرم، تحت نظر و تحقیقات مقدماتی، بایستی در قانون آیین دادرسی کیفری لحاظ گردد. در ابتدا، شخص تحت نظر، متهم، کشف جرم، تحقیقات مقدماتی و...، تعریف شود و سپس الزامات و جلوه ها در تک تک مراحل مشخص شود. اصلاح قانون آیین دادرسی کیفری در خصوص تفکیک مرحله کشف جرم و اعطای برخی اختیارات قانونی به ضابطان در چارچوب مشخص (مانند قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه) پیشنهاد می شود.

۴- تصویب قوانین کاربردی پلیس و تجمیع قوانین پراکنده؛ مانند قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح، قانون به کارگیری سلاح در موارد ضروری، قوانین استخدامی نیروهای مسلح و رده های امنیتی، اساسنامه وزارت اطلاعات و اطلاعات سپاه پاسداران، قانون حمایت قضایی از بسیج، قانون حمایت از آمرین به معروف و ناهیان از منکر و... در آن و اصلاح مکرر آن طبق نیازهای روز و جانمایی الزامات حقوق بشری ضابطان در آن.

۵- اصلاح طرح ها و لوایحی که اصول حقوق بشری در آن ها رعایت نگردیده و در صورت بروز هر گونه اتفاقی، ضابطان که نقشی در این موارد ندارند، قربانی قوانین نادرست خواهند شد؛ به طور مثال می توان به طرح اجرای اصل سی و هشتم (۳۸) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و طرح نحوه تشکیل اجتماعات و برگزاری راه پیمایی ها و هم چنین طرح حفظ حریم دانشگاه ها و مراکز آموزش عالی و حوزه های علمیه و بیوت مراجع تقلید و... اشاره نمود.

## فهرست منابع

- قرآن کریم
- آشوری، محمد، (۱۳۷۲)، اصل براءت و آثار آن در امور کیفری (مطالعه ای تطبیقی)، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۱۰(۱)، ص ۴۵.
- آشوری، محمد(۱۳۸۳). آیین دادرسی کیفری، جلد دوم، چاپ چهارم، تهران: انتشارات سمت.
- آشوری، محمد؛ سپهری، روح الله، (۱۳۹۲)، بررسی تطبیقی مرحله تحت نظر در آیین دادرسی کیفری ایران و فرانسه، آموزه های حقوق کیفری، شماره ۶، ص ۵۳.
- ارزننگ، اردوان؛ دهقان، مهدی، (۱۳۹۴)، قاعده وجوب تکریم انسان در فقه و حقوق اسلامی، مطالعات اسلامی فقه و اصول، ۴۷(۱۰۰)، ص ۵۱.
- الحکیم، السید محمد تقی(۱۴۱۸). القواعد العامه فی فقه المقارن، جلد اول، مجمع العالمی لاهل البیت (علیهم السلام).
- الکلباسی، ابو المعالی محمد بن محمد ابراهیم (۱۴۴۲). الرسائل الرجالیه، جلد دوم، چاپ محمد حسین درایتی.
- امینی فر، مجید؛ اخوان، محمد، (۱۳۹۲)، چالش های حقوق شهروندی در ایران از نگاه پلیس، توسعه مدیریت منابع انسانی و پشتیبانی، شماره ۲۸، ص ۹۷.
- انصاری، مجتبی؛ منزوی بزرگی، جواد (۱۳۹۲). مروری بر استانداردهای رفتاری ضابطان دادگستری؛ مطالعه موردی ضابطان خاص وزارت دفاع، مقالات برگزیده نخستین همایش ملی پژوهش در نظام عدالت کیفری؛ فرصت ها و چالش ها، چاپ اول، تهران: میزان.
- اولیولاندی، آلن کاولینگک (۱۳۸۶). مدیریت استراتژیک منابع انسانی، (سید حسین ابطیحی، شمس الله جعفری نیا، رضا نجاری، مهربان هادی پیکانی، مترجمان). تهران: خورشید.

- بوشهری، جعفر (۱۳۹۱). حقوق جزا (کشف جرم)، جلد ۸، چاپ اول. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- پارسا، محمد متین، (۱۳۹۵)، حقوق جسمانی متهم در مرحله ی تحت نظر در نظام حقوقی ایران و فرانسه، فصلنامه مطالعات حقوقی - انتظامی، شماره سوم، ص ۹۹-۱۰۰.
- پرادل، ژان، (۱۳۸۶)، اصول اساسی فرایند کیفری در فرانسه، ( جواد تقی زاده، مترجم). نشریه حقوق اساسی، ۴ (۸)، ص ۳۵۵.
- تدین، عباس (۱۳۸۸). تحصیل دلیل در آیین دادرسی کیفری، چاپ سوم، تهران: میزان.
- تدین، عباس (۱۳۹۴). قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه (ترجمه)، معاونت حقوقی قوه قضائیه، چاپ دوم، تهران: خرسندی.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۳۷۶). وسائل الشیعه، جلد هجدهم، چاپ ششم، تهران: المکتبه الاسلامیه.
- حلّی، یحیی بن سعید (۱۴۰۵). الجامعه للشرایع، چاپ اول، قم: موسسه سید الشهداء العلمیه.
- حیدری، الهام، (۱۳۹۴)، حقوق دفاعی متهم در دوران تحت نظر در قانون آیین دادرسی کیفری و بررسی تطبیقی آن با حقوق انگلستان، فصلنامه دیدگاه های حقوق قضایی، شماره ۷۱، ص ۴۲.
- خواجه زاده، امیر؛ بینائیان، فاطمه (۱۳۹۶). اماره و مصادیق آن در قانون و رویه قضایی، چاپ اول، تهران: مجد.
- خانی والی زاده، سعید، (۱۳۹۷)، بررسی ارتباط رعایت حقوق دفاعی و کرامت انسانی افراد در حقوق اداری ایران و فرانسه، فصلنامه حقوق اداری، ۵ (۱۴)، ص ۳۷.
- داودی، حمزه (۱۳۸۸)، مطالعه تطبیقی و کالت از متهم در کشف جرم و تحقیقات مقدماتی (ایران و انگلیس)، (پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی)، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران.

- دشتی، محمد(۱۳۸۲). ترجمه نهج البلاغه، چاپ نهم، قم: موسسه فرهنگی تحقیقاتی امیر المومنین(ع).
- رضوی، محمد؛ خزائی، علی، (۱۳۸۷)، حقوق شهروندی در فرآیند کشف جرم، فصلنامه دانش انتظامی، سال نهم، ص ۴۵.
- سابر، پتر(۱۳۹۵). پدر سالاری حقوقی(۱)، بنیادهای نظری حقوق کیفری در نظام های عرفی، (فهم مصطفی زاده، مترجم). چاپ اول، تهران: خرسندی.
- ساقیان، محمد مهدی،(۱۳۹۳)، تحولات حق متهم بر داشتن و کیل در مرحله تحت نظر در حقوق فرانسه و ایران، مطالعات حقوق کیفری و جرم شناسی، دانشگاه تهران، ۱(۱)، ص ۱۰۴-۱۰۳.
- شمس ناتری، محمد ابراهیم، (۱۳۸۱)، اصل براءت و موارد عدول از آن در حقوق کیفری، مجله مجتمع آموزش عالی قم، ۴(۱۴)، ص ۷۳.
- شهپرنیا، شیما(۱۳۹۳)، بررسی تطبیقی مرحله تحت نظر در آیین دادرسی کیفری ایران و فرانسه، (پایان نامه کارشناسی ارشد رشته حقوق جزا و جرم شناسی)، دانشگاه آزاد اسلامی دامغان.
- شهید صدر(۱۴۳۱). دروس فی علم الاصول، الحلقه الثانیه، الطبعه السادسه، موسسه انتشارات دارالعلم.
- صالحی، جواد؛ ابراهیمی، یوسف، (۱۳۸۶)، بررسی جایگاه حق سکوت متهم در نظام حقوقی ایران، مجله عدالت آراء، شماره ۸، ص ۱۸۰-۱۷۹.
- طاهری، سمانه، (۱۳۹۶)، مطالعه تطبیقی حقوق فرد تحت نظر در آیین دادرسی کیفری ایران و انگلستان، مجله کارآگاه، ۹(۳۸)، ص ۵۰.
- طباطبایی، محمد حسین (۱۳۹۳). تفسیر المیزان، چاپ پنجم، تهران: موسسه اسماعیلیان.
- طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن (۱۴۰۰). النهایه فی المجرّد الفقه و الفتوی، چاپ دوم، بیروت: دارالکتب العربی.
- طهماسبی، جواد(۱۳۹۶). آیین دادرسی کیفری، جلد دوم، چاپ سوم، تهران: میزان.

- عبدی، فرزاد (۱۳۹۲). استاندارد سازی رفتار ضابطان در نظام عدالت کیفری، مقالات برگزیده نخستین همایش ملی پژوهش در نظام عدالت کیفری؛ فرصت ها و چالش ها، چاپ اول، تهران: میزان.
- فرهودی نیا، حسین؛ موسی زاده، مهدی (۱۳۹۵). دوره ی تحقیقات مقدماتی و حقوق متهم در پرتو قانون آیین دادرسی کیفری سال ۱۳۹۲، دایره المعارف جنایی، زیر نظر علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ دوم، تهران: میزان.
- فضائلی، مصطفی؛ ملاکه، ابراهیم، (۱۳۹۴)، حق داشتن و کیل در اسلام و حقوق بین المللی بشر با تاکید بر مرحله تحقیقات مقدماتی، فصلنامه پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، ۲(۳)، ص ۱۴۷.
- قاسمی، احسان (۱۳۹۶)، تحولات حقوق دفاعی متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ با نگاهی به حقوق فرانسه، ( پایان نامه کارشناسی ارشد رشته حقوق جزا و جرم شناسی)، دانشگاه کاشان.
- قربانی، علی؛ موحدی، جعفر، (۱۳۹۱)، ماهیت برائت در فقه و حقوق، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۸۰، ص ۶۶.
- قرقانی، علیرضا (۱۳۹۳)، حق سکوت متهم در پرتو اسناد بین المللی و حقوق ایران، ( پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی)، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران.
- قناد، فاطمه (۱۳۹۳). توسل به خشونت خانگی از سوی ماموران پلیس و نیروهای مسلح، دانشنامه بزه دیده شناسی و پیش گیری از جرم، جلد اول، زیر نظر علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ اول، تهران: میزان.
- قناد، فاطمه (۱۳۹۳). حقوق متهم در برابر حقوق بزه دیده، دانشنامه بزه دیده شناسی و پیش گیری از جرم، جلد اول، زیر نظر علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ اول، تهران: میزان.

- کریمی، عباس؛ رحیمی نژاد، ایمان، (۱۳۸۸)، قواعد حاکم بر استجواب کیفری، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۲، ص ۳۶.
- گلپایگانی، سید محمد رضا (۱۴۰۹). مجمع المسائل، چاپ دوم، قم: دارالقرآن الکریم.
- مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۶). بحار الانوار، چاپ دوم، بیروت: موسسه الوفا.
- مدرس، محمد باقر (۱۳۸۶). رویکرد حقوق بشری به وظایف و اختیارات پلیس در فرآیند کیفری در ایران، دانشگاه تربیت مدرس، کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم-شناسی.
- مظاهری، امیر مسعود، (۱۳۸۵)، مفهوم مداخله و کیل مدافع در تحقیقات مقدماتی، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۵۷ و ۵۶، ص ۲۴۴.
- مغربی، نعمان بن محمد تمیمی (۱۳۸۵). دعائم الاسلام، جلد دوم، چاپ اول، قم: موسسه آل البت.
- وروائی، اکبر؛ بهرامی پور، رسول؛ پراکوهی، محمد احسان (۱۳۹۳). حقوق متهم تحت نظری در نظام حقوق کیفری ایران، چاپ اول، تهران: بهنامی.
- یاور، اسدالله، (۱۳۸۸)، رعایت اصل برائت در رسیدگی های شبه قضایی در حقوق فرانسه (در پرتو کنوانسیون اروپایی حقوق بشر)، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۴۹، ص ۳۲۵.
- Border Guard Training on Human Rights, (2013), (EPIM), Consiglio Italiano PER I RIFUGITI, P.8-11.
- Campell, Henry, (1991), Black's Law Dictionary, 6th, USA, West Pub85 ,lisher, p.5.
- Henry Campbell , (1991), Black,s law Dictionary , 6th. U.S.A. West publisher, p10.
- Gregory W. Oreilly, (1994), England Limits the Right to Silence , Journal of Criminal Law and Criminology, Volume 85, PP: 402-452.
- Presomption d,innocence, (2018), Ecrit par les experts Ooreka, , A jour , p.5.
- Schwikkard, Pamela-jane (1999). Presumption of Innocence , Publisher, P.25.